

رابطه مؤلفه‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارتی رشته حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی

فاطمه رسولی^۱ حبیب‌اله نخعی^۲ قدرت‌اله طالب‌نیا^۳ محمد حسن غنی‌فر^۴

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های آموزشی و مهارتی موردنیاز رشته حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی اجرا شده است. ابتدا با استفاده از روش گراند تئوری و مصاحبه با خبرگان، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش شناسایی گردید. در گام بعدی با استفاده از مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده، پرسش‌نامه کمی، تدوین و در بین نمونه آماری توزیع و جمع‌آوری شده است. پایایی ابزار پژوهش با توجه به مقدار آلفای کرونباخ، بزرگ‌تر از ۰/۷ برای تمامی مؤلفه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش عبارت است از تمامی اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای، مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره که حدود ۳۰۰ نفر برآورد گردید و نظرات ۱۶۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون کانونی کالی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های آموزشی حسابداری (مدیریت استراتژیک، مدیریت مالی و منابع، رهبری تیمی، تحلیل آماری، استاندارد ملی و بین‌المللی و استاندارد قوانین و مقررات) با مؤلفه مهارت حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی با P-Value ($P < 0/05$) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، بین مؤلفه‌های مهارت حسابداری (مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی، مهارت‌های حسابداری، مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی، دانش حسابرسی و خلاقیت) و مؤلفه آموزش حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی با P-Value ($P < 0/05$) رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های آموزش حسابداری و مؤلفه‌های مهارتی حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی، رابطه وجود دارد. این دو متغیر تنها یک نقطه کانونی قابل تفسیر و تأیید در بین خود دارند که مؤلفه‌های استاندارد ملی و بین‌المللی، استاندارد قوانین و مقررات و مهارت‌های حسابداری بیشترین ارتباط را با این نقطه دارند.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های آموزشی حسابداری، مؤلفه‌های مهارتی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.
fatemeh_rasouli65@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)
hnakhaei@iaubir.ac.ir

^۳ دانشیار گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
gh_talebnia@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.
ghanifar@iaubir.ac.ir

مقدمه

دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به‌عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مرکز تربیت نیروی انسانی به‌شمار می‌روند که برای تربیت افراد توانمند، متخصص و کارآفرین باید از کارایی و اثربخشی بالایی برخوردار باشند و این امر مستلزم شایستگی، صلاحیت علمی و اخلاقی همه اساتید است. موضوع عدم توانایی دانشگاه‌ها در آماده کردن فارغ‌التحصیلان برای شروع به کار حرفه‌ای و داشتن مهارت‌های جامع‌تر، باعث ایجاد بحث‌های زیادی شده است (ماتیوز^۱، ۲۰۰۰). از نظر ویست، دانشگاه باید پایه‌ای برای آموزش مادام‌العمر دانش‌آموختگان باشد و گسترش دانش حرفه‌ای آن‌ها را مهیا نماید (ویست^۲، ۱۹۹۸). در واقع برنامه‌های آموزشی این مراکز باید به‌گونه‌ای باشند که بتوانند نیروی انسانی کارآمدی را برای رشد و توسعه رشته حسابداری به جامعه تحویل دهند و در مقاطع تحصیلی بالاتر، فرایندها باید به‌صورت بسیار حساس‌تر و جدی‌تر دنبال شوند. انتظار از این مراکز این است که بتوانند متخصصان و حسابداران ارشدی را تربیت کنند تا بعد از فراغت از تحصیل، خودشان شایستگی و توانمندی‌های خود را برای پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده و فرصت‌های جدید و متنوع خدمات حرفه‌ای و آموزشی ارتقاء دهند (نونهال نهر و همکاران، ۱۳۹۳)؛ زیرا که هدف اصلی برنامه‌های آموزش حسابداری، آماده کردن دانشجویان برای موفقیت در امتحانات و به‌دست‌آوردن شرایط لازم برای ورود به حرفه حسابداری است. بر اساس تئوری سرمایه انسانی، منابع انسانی کارآمد باعث به‌کار افتادن چرخ‌های اقتصادی، چرخ‌های صنعتی و انباشت درآمد ملی می‌شود؛ از این رو آموزش عالی جایگاه ممتازی در نظریه سرمایه انسانی دارد. در واقع خدمات آموزشی یک نوع سرمایه‌گذاری مولد ذخیره نیروی انسانی بوده (صالحی عمران، ۱۳۸۳) و تلاش زیادی جهت ارتقای کارآمدی آموزش‌های دانشگاهی جهت تربیت مناسب سرمایه‌های انسانی انجام می‌شود.

بسیاری از نویسندگان به‌دلیل تفاوت بین برنامه‌های آموزشی با شیوه عمل (کار) حسابداری، نیاز به تغییر برنامه درسی را بیان کرده‌اند. به‌منظور بهبود کیفیت آموزش و کاهش فاصله‌ی انتظارات مربوط به تقاضای کارفرما، آموزش دانشگاهی حسابداری نیازمند اصلاح می‌باشد (حاصل و همکاران^۳، ۲۰۰۵)؛ لذا در مرحله اول نیاز به تغییر در ساختار آموزش حسابداری و در مرحله دوم نیاز به پژوهش در زمینه چگونگی تغییر مذکور، به‌وجود آمده است (آلبرجت و سک^۴، ۲۰۰۰). گزارش انجمن حسابداری آمریکا^۵ در خصوص آموزش حسابداری، دربرگیرنده ۲۸ بیانیه در باب نیاز به هدایت دوباره آموزش حسابداری است که جهت ورود موفق افراد به حرفه حسابداری ضروری می‌باشد. از این ۲۸ بیانیه، ۷ مورد آن مرتبط به حوزه و محتوای آموزش حسابداری، ۴ مورد مرتبط به ساختار آموزش حسابداری، ۳ مورد مرتبط به فرآیند یادگیری، ۲ مورد مرتبط به مسئولیت‌های دانشکده‌های حسابداری، ۵ مورد مرتبط به حمایت تشکیلاتی از آموزش حسابداری، ۵ مورد مرتبط به اعتبارنامه‌های برنامه‌های حسابداری و ۳ مورد مرتبط به اقتصادی بودن آموزش حسابداری می‌باشد (انجمن حسابداری آمریکا، ۱۹۷۶). در بحث آموزش‌های حسابداری نیاز به طراحی آموزشی کاملاً احساس می‌شود. طراحی آموزشی عبارت است از تدارک منابع و روش‌ها به‌منظور استفاده از آن‌ها در

¹ Mathews

² west

³ Hassall

⁴ Albrecht and Sack

⁵ AICPA

جهت بهبود یادگیری (گیجن و همکاران^۱، ۲۰۰۵). الگوهای طراحی آموزشی، بازنمایی‌های دیداری فرایند طراحی آموزشی هستند و برای هدایت و پیشبرد طراحی در موقعیت‌های مختلف و مقاصد گوناگون به کار می‌روند. این فرایندها که به منظور سازماندهی طراحی آموزشی و فعالیت‌های توسعه‌ای به خدمت گرفته می‌شوند، از اهمیت خاصی برخوردار هستند. متخصصان طراحی آموزشی از فرایند نظام‌مند طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی روش‌ها و مواد، آموزشی‌های انفرادی را تولید می‌کنند که این رویکرد، روش‌های تعمیم‌پذیری را برای کمک به تمرکز، سازماندهی و مدیریت منابع در جهت رفع نیازها و مسائل یادگیری فراهم می‌کند (دیک و همکاران^۲، ۲۰۱۲).

در گزارش سال ۱۹۸۷ بدفورد و شینکر^۳ مطرح شد که آموزش حسابداری اساساً تغییری نکرده و به همین دلیل انتقادات گسترده‌ای مبنی بر اینکه دانش‌آموختگان حسابداری، چگونگی ارتباط مناسب را فرانگرفته‌اند و استدلال آن‌ها بر پایه منطق صحیح نمی‌باشد، به وجود آمد. همچنین بر پایه این گزارش، حسابداران در مهارت ارتباط سازمانی ضعیف بوده و نمی‌توانند خلاقانه و مسئولانه فکر کنند. کمیته بدفورد توصیه نمود که آموزش حسابداری بازسازی شود؛ دو سال آن به آموزش عمومی، دو سال به آموزش حسابداری حرفه‌ای و یک سال نیز به آموزش حسابداری حرفه‌ای تخصصی اختصاص یابد. آموزش عمومی، فارغ‌التحصیلان را برای ورود به حداقل یک زمینه خاص در حسابداری آماده می‌کند. این آمادگی شامل دوره‌های ریاضی پایه، آمار و سیستم‌های رایانه‌ای اقتصاد می‌باشد. هدف از آموزش عمومی حرفه‌ای، کسب دانش و توانایی برای ورود به حرفه و قابلیت کاربرد این ویژگی‌ها تحت یک نظارت معقولانه است. آموزش تخصصی از اهمیت خاصی در این میان برخوردار بوده که باعث توسعه دانش در حرفه و شناسایی حوزه‌های کاربرد حسابداری و دیگر حوزه‌ها و وقایع آشکار شده جدید و آینده می‌شود. این وقایع زمانی رخ می‌دهند که حوزه‌های بالقوه به آموزش تخصصی اضافه شوند. حسابداری و حسابرسی مالیاتی، سیستم‌های اطلاعاتی، حسابرسی و اعتباردهی به گزارش مالی، نمونه‌هایی از این حوزه‌ها می‌باشند. آموزش تخصصی، سطح فارغ‌التحصیلان را مشخص می‌کند و هدف از آن آماده کردن فارغ‌التحصیلان در سطح پیشرفته است که به صورت آشکار از دانش و مهارت خود، استفاده می‌کنند.

در سال‌های اخیر به منظور تربیت حسابداران که پاسخگوی نیازهای جامعه باشند، پژوهش‌های متعددی انجام شده که بررسی ضرورت و اهمیت اصلاح برنامه‌ی آموزش حسابداری، یکی از عناوین این پژوهش‌ها می‌باشد (آلبرشت و ساک^۴، ۲۰۰۰؛ فورستال^۵، ۲۰۰۲؛ چابرو و هیی^۶، ۲۰۰۱؛ بویسی^۷، ۱۹۹۹). اندیولا و همکاران^۸، در پژوهشی به بررسی تلفیق تکنولوژی و مهارت تجزیه و تحلیل داده‌ها در برنامه درسی حسابداری بر اساس تجربه و بینش مدیران واحد حسابداری پرداختند. اخیراً متخصصان حسابداری بر لزوم داشتن مهارت‌های فن‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای موفقیت دانشجویان حرفه حسابداری تأکید کرده‌اند. نتایج نظرسنجی مدیران بخش حسابداری AACSB در مورد

¹ Gagne et al

² Dick et al

³ Bedford and shenkir

⁴ Albrecht and Sack

⁵ Forristal

⁶ Chabrow and Hayes

⁷ Boyce

⁸ Andiola et al

تجربیاتشان برای ادغام فن‌آوری در برنامه‌ی درسی، از جمله دیدگاه‌های آنان در مورد وضعیت اجرا و چالش‌ها و همچنین برنامه‌های پیشنهادی فعلی، گزارش شد. استاندارد A7 در ایجاد تغییرات مؤثر بوده‌است؛ اما روش ادغام و دوره‌های موجود در برنامه‌ها متفاوت می‌باشد. یافته‌ها و بحث‌های موردتوجه مدیران برنامه‌های حسابداری و تجاری قرار گرفت. (اندیولا و همکاران^۱، ۲۰۲۰)

کارسلن^۲ (۲۰۱۹)، در تحقیقات جامعه‌شناسی پژوهش خود، چگونگی واسطه بودن آموزش و پرورش در منشأ و مقصد شغلی راجع موردبررسی قرار داد. در این پژوهش استدلال می‌شود که این چارچوب از فاکتورسازی در فرآیندهای تشکیل مهارت اولیه، برای فهم بهتر سازوکارهایی که آموزش از طریق آن‌ها به کانال تولیدمثل اجتماعی تبدیل می‌شود، سود خواهد برد. با توجه به نتایج این پژوهش تأکید می‌شود که آموزش می‌تواند واسطه‌ای از انجمن‌های مبدأ و مقصد، به‌عنوان یک نتیجه از عواملی باشد که ارتباط چندانی با تأثیر مدارس ندارد.

فیل هانکوک و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان "تحقیق و تدریس یک مطالعه تجربی در رشته‌های حسابداری و مالی دانشگاه‌های استرالیا و نیوزیلند"، به بررسی روابط بین تدریس و تحقیق دانشگاهیان رشته حسابداری و مالی استرالیا و نیوزیلند پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که برخلاف انتظارات، دانشکده‌های فعال در حوزه پژوهشی شایستگی‌های کمی در ادغام پژوهش با تدریس دارند؛ اما دانشکده‌هایی که تدریس‌محور هستند، شایستگی‌های خوبی در ادغام پژوهش با تدریس دارند. علاوه بر این مدل تجربی مبتنی بر تحقیق-آموزش گسستات^۴، به‌طور قابل توجهی شبیه به استرالیا، نیوزیلند و انگلستان است.

در ایران نیز هدف از آموزش‌های حسابداری، تربیت متخصصان و کارشناسان حرفه‌ای حسابداری می‌باشد؛ از همین رو رسالت اصلی دانشگاه‌ها در مرحله نخست، شناسایی انتظارات بازار کار و در مرحله بعد، آموزش این مهارت‌های موردنیاز به دانشجویان است. در بعضی از رشته‌ها مانند حسابداری، آموزش‌های دانشگاهی از نیازهای واقعی بازار کار فاصله گرفته و اغلب دانش‌آموختگان در عمل، انتظارات حرفه‌ای را برآورد می‌سازند. در واقع بین انتظارات و عمل دانش‌آموختگان این رشته، شکاف وجود دارد. شکاف موجود می‌تواند به این دلیل باشد که رشته علمی حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت‌های دیگر، روزآمد نگه دارد و در شیوه آموزش و انتقال مناسب معلومات حسابداری به دانشجویان، خلأ وجود دارد و این فاصله باعث شده است که دانشجویان بر اساس انتظارات حرفه، آماده بازار کار نشوند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). از نظر یورک^۵ (۲۰۰۶)، علاقه به اشتغال از طریق تحصیل در مراکز آموزش عالی که مهارت‌های افراد را توسعه می‌دهند، انعکاس بخشی از تئوری سرمایه انسانی می‌باشد (پروایز^۶، ۲۰۱۴). از جمله حوزه‌های جدید در ایران، موضوع اقتصاد مقاومتی و ابلاغ سیاست‌های کلی آن از طرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی است و تأکید ایشان در این ابلاغیه، پیروی از الگو علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، در این زمینه می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در راستای موضوع اقتصاد مقاومتی، مبارزه با فساد اقتصادی از جمله شرایط و الزامات خواسته شده و منطبق با فرموده‌های رهبری، در قالب

¹ Andiola et al

² Karlson and Karlson

³ Phil Hancock et al

⁴ Gestalt

⁵ Yorke

⁶ Parvaiz

الگوی ارائه شده است که در این زمینه، اصلاح الگوی آموزش حسابداری می‌تواند کارساز باشد (سیف، ۱۳۹۱). به‌طور خلاصه تغییر برنامه آموزشی، مستلزم تجدید ساختار برنامه درسی، ارائه کارآمدتر سیستم و ساختار سازمانی بهتر برای واحدهای ارائه‌دهنده برنامه آموزشی است. ساختار جدید برنامه درسی باید شامل مهارت‌های فنی، غیر فنی و دانش مربوط به علوم اجتماعی، هنر و... باشد. منظور از مهارت‌های غیر فنی، توانایی حل مسائل دنیای واقعی، تفکر خلاق، ارتباطات و رعایت استانداردهای اخلاقی بوده که فارغ‌التحصیلان حسابداری، هر یک از این مهارت‌ها را در مقطعی از تحصیلات خود فرامی‌گیرند. برنامه آموزشی ایده‌آل، شامل سه مقطع آموزشی عمومی، حرفه‌ای و تخصصی می‌باشد. با توجه به تغییرات روزافزون محیط تجاری ایران، نیاز شدیدی به وجود حسابداران تعلیم‌یافته و کارآزموده احساس می‌شود که این امر با روش‌های سنتی آموزش، امکان‌پذیر نیست؛ لذا هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه مؤلفه‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارتی موردنیاز رشته حسابداری می‌باشد. این پژوهش در پی پاسخ به سؤال زیر می‌باشد: چه رابطه‌ای بین مؤلفه‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارتی موردنیاز رشته حسابداری وجود دارد؟

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر از روش پژوهش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی و روش توصیفی-استنتاجی استفاده شده است. ابتدا در مرحله کیفی با استفاده از روش گرنند تئوری، مؤلفه و شاخص‌های پژوهش‌شناسایی گردید که برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته تا رسیدن به حد اشباع نظری، از اساتید خبره راهنمایی گرفته شد. سؤالات مصاحبه بر اساس بررسی پیشینه و مطالعه منابع، متون و اسناد به شیوه همسوسازی برای دستیابی به مفاهیم، عبارات و واژه‌های کلیدی مرتبط با طراحی و اعتباریابی الگوی آموزش-مهارت رشته حسابداری اقدام گردید. در این راستا داده‌های کیفی اولیه جمع‌آوری شد و با استفاده از روش گراند تئوری و نرم‌افزار مکس کیودا، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزشی و مهارتی موردنیاز رشته حسابداری شناسایی گردید. در گام بعدی و مرحله کمی پژوهش، با استفاده از مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده، پرسشنامه کمی تدوین و در بین نمونه‌آمارای توزیع و جمع‌آوری شد. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت؛ در نتیجه مقدار آلفای کرونباخ برای تمام متغیرهای بزرگ‌تر از ۰/۷ است که پایایی بالای پرسشنامه در زمینه سنجش متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جدول شماره (۱) نتایج آزمون آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج آلفای کرونباخ پرسشنامه

متغیر	تعداد سؤالات	آماره آلفای کرونباخ
مدیریت استراتژیک	۵	۰/۷۶۳
خلاقیات	۴	۰/۷۰۸
مدیریت مالی و منابع	۲	۰/۷۵۰
رهبری تیمی	۲	۰/۷۵۳
مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی	۳	۰/۸۰۲
مهارت‌های حسابداری	۲	۰/۷۸۴
مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی	۳	۰/۸۱۱
دانش حسابداری	۲	۰/۷۲۵
تحلیل آماری	۲	۰/۷۵۹
استانداردهای ملی و بین‌المللی و قوانین و مقررات	۲	۰/۸۰۹

این تحقیق در بخش کمی به دلیل اینکه به توصیف جامعه بر اساس چند متغیر می‌پردازد، توصیفی است و به دلیل اینکه رابطه میان دو متغیر مؤلفه‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارتی مورد نیاز رشته حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی را آزمون می‌کند، از نوع همبستگی می‌باشد. در مطالعه همبستگی، محقق به صورت منظم به دست‌کاری متغیر مستقل جهت مشاهده تأثیر آن بر متغیر وابسته نمی‌پردازد؛ بلکه چگونگی باهم بودن دو متغیر را در یک گروه نمونه تصادفی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش، محقق به دنبال بررسی و ارزیابی چند متغیر و روابط بین آن‌ها بوده؛ به همین دلیل از روش همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از تمامی اساتید خبره، شاغلین حرفه‌ای، مدیران مالی شرکت‌های بزرگ، تحلیل‌گران مالی بورس اوراق بهادار و حسابداران و حسابرسان خبره که حدود ۳۰۰ نفر برآورد گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران، ۱۷۰ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شدند و در نهایت تعداد ۱۶۰ پرسش‌نامه قابل قبول، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون کانونیکالی استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی مؤلفه آموزشی با مهارت حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی

مؤلفه‌ها	میانگین	میزان همبستگی	P-Value
مدیریت استراتژیک	۳/۰۲	۰/۴۸۴	۰/۰۰۰
مدیریت مالی و منابع	۳/۱۰	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰
رهبری تیمی	۳/۱۵	۰/۴۴۱	۰/۰۰۰
تحلیل آماری	۲/۹۸	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
استانداردهای ملی و بین‌المللی و قوانین و مقررات	۲/۹۳	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که مؤلفه مهارت حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی با کلیه مؤلفه‌های آموزشی حسابداری رابطه معناداری دارد. همچنین با مقایسه ضریب همبستگی مؤلفه‌های آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت مالی و منابع با ضریب همبستگی ۰/۶۵۷ بیشترین همبستگی را در بین سایر ابعاد مؤلفه‌های آموزشی با مؤلفه مهارت حسابداری دارند و تحلیل آماری با ضریب همبستگی ۰/۴۳۹ کمترین میزان رابطه را با مؤلفه مهارت حسابداری جامعه آماری دارد. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد با توجه وضعیت P-Value که کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0/05$) است، بین مؤلفه‌های آموزشی حسابداری (مدیریت استراتژیک، مدیریت مالی و منابع، رهبری تیمی، تحلیل آماری، استاندارد ملی و بین‌المللی و استاندارد قوانین و مقررات) و مؤلفه مهارت حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی مؤلفه مهارت حسابداری با آموزش حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی

مؤلفه‌ها	میانگین	میزان همبستگی	P-Value
مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی	۲/۹۵	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰
مهارت‌های حسابداری	۳/۱۰	۰/۶۰۵	۰/۰۰۰
مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی	۳/۰۴	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰
دانش حسابداری	۳/۰۹	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰
خلاقیت	۳/۰۴	۰/۴۰۲	۰/۰۰۰

طبق تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در جدول شماره (۳) مؤلفه آموزش حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی با کلیه مؤلفه‌های مهارتی حسابداری رابطه معناداری دارد و با مقایسه ضریب همبستگی مؤلفه‌های مهارتی می‌توان نتیجه گرفت که مهارت‌های حسابداری با ضریب همبستگی ۰/۶۰۵ بیشترین همبستگی را در بین سایر ابعاد مؤلفه‌های مهارتی با مؤلفه آموزش حسابداری دارد و خلاقیت با ضریب همبستگی ۰/۴۰۲ کمترین میزان رابطه را با مؤلفه آموزش حسابداری جامعه آماری دارد. همچنین نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های مهارت حسابداری (مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی، مهارت‌های حسابداری، مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی، دانش حسابداری و خلاقیت) با توجه وضعیت P-Value که کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0/05$) است با مؤلفه آموزش حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی رابطه معناداری وجود دارد.

پس از آزمون میزان همبستگی هر یک از مؤلفه‌های دو متغیر با متغیر دیگر پژوهش، در مرحله بعد برای یافتن پاسخ از آزمون همبستگی کانونیکالی استفاده شد تا نقاط مشترک و شدت اشتراک بین مؤلفه‌های آموزشی با مؤلفه مهارتی حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی گردد. این آزمون قابلیت بالایی در تفسیر ساختار ارتباط بین متغیرهای پژوهش دارد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی درون مجموعه مؤلفه‌های آموزشی حسابداری

مؤلفه‌ها	مدیریت استراتژیک	مدیریت مالی و منابع	رهبری تیمی	تحلیل آماری	استانداردهای ملی و بین‌المللی...
مدیریت استراتژیک	۱/۰۰۰	—	—	—	—
مدیریت مالی و منابع	-۰/۰۳۵۴	۱/۰۰۰	—	—	—
رهبری تیمی	۰/۰۹۴۳	۰/۰۴۶۴	۱/۰۰۰	—	—
تحلیل آماری	۰/۱۴۶۷	۰/۰۳۷۰	-۰/۲۱۰۸	۱/۰۰۰	—
استانداردهای ملی و بین‌المللی ...	-۰/۰۱۲۹	۰/۰۶۳۴	۰/۱۶۴۰	۰/۰۲۶۶	۱/۰۰۰

جدول شماره (۴) ماتریس همبستگی درون مجموعه‌ای آموزشی حسابداری را نشان داده و ضرایب همبستگی درون مجموعه‌ای آموزشی حسابداری نشانگر رابطه دوطرفه‌ی هر یک متغیرهای آموزشی حسابداری می‌باشند. با استفاده از این ضرایب می‌توان پی‌برد که کدامیک از متغیرهای درون مجموعه آموزشی حسابداری دارای قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه هستند. اطلاعات جدول فوق حاکی از آن است که در مجموع، همبستگی و ارتباط بین متغیرهای درون مجموعه مؤلفه‌های آموزشی حسابداری بالا نیست. این امر به‌نوبه خود بیانگر ضعف هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای درون مجموعه آموزشی حسابداری است که از نقاط قوت در استدلال آماری می‌باشد. در بین متغیرهای درون مجموعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری، قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه مربوط به رابطه استانداردهای ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و رهبری تیمی با ضریب همبستگی ۰/۱۶۴ و ضعیف‌ترین رابطه متعلق به رابطه استانداردهای ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و مدیریت استراتژیک با ضریب همبستگی ۰/۰۱۲ می‌باشد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی درون مجموعه مهارت‌های حسابداری

مؤلفه‌ها	مهارت‌های ارتباطی و ارتباطی	مهارت‌های حسابداری	مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی	دانش حسابرسی	خلاقیت
مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی	۱/۰۰۰	—	—	—	—
مهارت‌های حسابداری	۰/۰۵۳۷	۱/۰۰۰	—	—	—
مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی	۰/۱۶۹۲	-۰/۰۵۳۱	۱/۰۰۰	—	—
دانش حسابرسی	-۰/۰۸۶۹	-۰/۰۸۲۵	۰/۰۴۸۲	۱/۰۰۰	—
خلاقیت	۰/۰۴۶۲	-۰/۰۲۶۴	۰/۱۵۴۵	۰/۰۱۸۸	۱/۰۰۰

ماتریس بالا بیانگر همبستگی درون مجموعه‌ای مؤلفه‌های مهارتی در حسابداری است. در واقع ضرایب همبستگی درون مجموعه‌ای مهارتی نشانگر رابطه دوطرفه‌ی متغیرهای زیرمؤلفه‌های مهارتی می‌باشد. با استفاده از این ضرایب می‌توان پی‌برد که کدامیک از متغیرهای درون مجموعه مؤلفه‌های مهارتی قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه را با دیگر متغیرهای درون مجموعه دارند. اطلاعات جدول شماره (۵) حاکی از آن است که در بین متغیرهای درون مجموعه مهارت‌های حسابداری، قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه مربوط به رابطه مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی با مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی با ضریب همبستگی ۰/۱۶۹ و ضعیف‌ترین رابطه متعلق به رابطه متغیرهای خلاقیت با دانش حسابرسی با ضریب همبستگی ۰/۰۱۸۸ می‌باشد.

جدول ۶: ماتریس همبستگی بین مجموعه‌ای

مؤلفه‌ها	مهارت‌های شخصی و ارتباطی	مهارت‌های حسابداری	مهارت‌های سرمایه‌گذاری و ...	دانش حسابداری	خلاقیت
مدیریت استراتژیک	۰/۰۱۶۰	-۰/۰۴۱۳	۰/۰۵۲۳	۰/۰۳۳۰	۰/۱۸۱۶
مدیریت مالی و منابع	-۰/۰۳۶۵	-۰/۰۲۹۴	-۰/۰۶۴۲	۰/۱۱۴۰	۰/۰۱۹۹
رهبری تیمی	-۰/۰۳۸۰	۰/۱۶۳۶	-۰/۰۰۰۹	۰/۰۳۰۸	-۰/۰۴۸۹
تحلیل آماری	۰/۰۷۳۱	۰/۰۲۱۳	-۰/۱۱۱۱	-۰/۰۴۷۳	۰/۱۰۱۹
استانداردهای ملی و بین‌المللی و ...	۰/۰۸۸۹	۰/۱۳۶۱	۰/۰۴۷۷	۰/۰۲۳۶	-۰/۰۶۵۷

ماتریس بالا بیانگر همبستگی بین مجموعه‌های مؤلفه آموزشی حسابداری و مؤلفه‌های مهارتی حسابداری می‌باشد که ضرایب همبستگی بین مجموعه‌ای، بیانگر رابطه دویبه‌دوی متغیرهای زیرمؤلفه‌های آموزشی حسابداری با مؤلفه‌های مهارتی حسابداری هستند. با استفاده از این ضرایب به رابطه‌ی بین هر یک از متغیرهای درون مجموعه مؤلفه‌های آموزشی حسابداری با متغیرهای درون مجموعه مؤلفه‌های مهارتی حسابداری پرداخته شده‌است. اطلاعات جدول شماره ۶ (۶) حاکی از آن است که قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه به ترتیب مربوط به رابطه مدیریت استراتژیک با خلاقیت با ضریب همبستگی ۰/۱۸۱ و رابطه رهبری تیمی با مهارت‌های حسابداری با ضریب همبستگی ۰/۱۶۳ و رابطه استاندارد ملی و بین‌المللی و استانداردهای قوانین و مقررات با مهارت‌های حسابداری با ضریب همبستگی ۰/۱۳۶ می‌باشد.

جدول ۷: آزمون همبستگی با باقی‌مانده صفر

نقاط کانونی	همبستگی کانونیکالی	لامبدای ویکلز	کای اسکویئر	درجه آزادی	سطح معناداری
مجموعه کانونی ۱	۰/۲۸۱	۰/۳۵۱	۲۴/۸۰۰	۲۵	۰/۰۱۴۱
مجموعه کانونی ۲	۰/۱۸۸	۰/۹۲۴	۱۲/۱۹۷	۱۶	۰/۱۱۵
مجموعه کانونی ۳	۰/۱۵۸	۰/۹۵۸	۶/۶۵۳	۹	۰/۱۲۱
مجموعه کانونی ۴	۰/۱۳۱	۰/۹۸۲	۲/۷۶۴	۴	۰/۴۲۸
مجموعه کانونی ۵	۰/۰۲۵	۰/۹۹۹	۰/۰۹۸	۱	۰/۶۷۳

یافته‌های پژوهش در جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که اولین همبستگی بر اساس زوج متغیرهای کانونیکالی مؤلفه‌های آموزشی حسابداری و مؤلفه‌های مهارتی حسابداری برابر با ۰/۲۸۱ و ضریب تعیین آن معادل ۰/۲۸ و دومین همبستگی معادل ۰/۱۸۸ است. بر اساس منطق تحلیل همبستگی کانونیکالی، اولین و بزرگ‌ترین منبع واریانس استخراج‌شده، بیانگر همبستگی بالا بین دو متغیر کانونیکالی بوده و دومین، سومین و ... ضریب همبستگی کانونیکالی مقدارشان خیلی پایین می‌باشد.

برای داوری و آزمون تجربی همبستگی کانونیکالی از آماره‌های لامبدای ویکلز و کای اسکویئر استفاده می‌شود. با توجه به اینکه مقدار لامبدای ویکلز معادل ۰/۳۵۱ بوده و $Sig = ۰/۰۱۴۱$ به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که دو مجموعه از متغیرها به‌طور معناداری به‌وسیله همبستگی کانونیکالی پیوند دارند. آماره

دیگری که برای بررسی سطح معناداری مورد استفاده قرار می‌گیرد، آزمون کای اسکویر می‌باشد که مقدار به دست آمده برای آزمون کای اسکویر ۲۴ و $Sig = 0/0141$ برای اولین ضریب همبستگی کانونیکالی و نشانگر این است که کاملاً معنادار بوده و مقدار آن رضایت بخش است.

جدول ۸: ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده مؤلفه آموزشی حسابداری و مؤلفه‌های مهارتی حسابداری

مؤلفه آموزشی حسابداری					
مؤلفه‌ها	مجموعه کانونی ۱	مجموعه کانونی ۲	مجموعه کانونی ۳	مجموعه کانونی ۴	مجموعه کانونی ۵
مدیریت استراتژیک	-۰.۴۶۸	۰.۳۸۲	-۰.۷۲۸	۰.۳۷۴	-۰.۰۸۸
مدیریت مالی و منابع	-۰.۲۰۳	۰.۰۴۱	-۰.۳۸۸	-۰.۸۹۸	۰.۰۹۶
رهبری تیمی	۰.۴۳۲	-۰.۶۱۸	-۰.۳۲۰	۰.۰۰۲	-۰.۶۵۶
تحلیل آماری	-۰.۲۹۵	-۰.۹۴۳	-۰.۰۲۱	۰.۱۲۶	۰.۳۰۷
استانداردهای ملی و بین‌المللی...	۰.۵۹۵	۰.۱۵۰	-۰.۳۶۰	۰.۱۶۳	۰.۷۱۰
مؤلفه‌های مهارتی حسابداری					
مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی	-۰.۳۸۹	-۰.۳۶۳	۰.۳۱۶	۰.۰۷۶	-۰.۸۰۹
مهارت‌های حسابداری	۰.۶۳۳	-۰.۵۶۰	-۰.۴۶۶	۰.۲۵۰	-۰.۱۳۹
مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی	۰.۳۷۶	۰.۷۳۷	-۰.۱۲۹	۰.۵۲۵	-۰.۲۹۰
دانش حسابداری	۰.۰۲۲	۰.۱۳۶	-۰.۵۳۴	-۰.۷۰۶	-۰.۴۶۴
خلاقیت	-۰.۶۶۳	-۰.۱۴۳	-۰.۶۴۷	۰.۳۳۳	۰.۱۹۱

بخش اول جدول شماره (۸) ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده، اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای اصلی را در محاسبه مقدار کانونی هر یک از متغیرهای کانونی نشان می‌دهد. ضریب کانونی که به آن وزن کانونی نیز می‌گویند، مانند مقادیر بتا در تحلیل رگرسیون می‌باشد. ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های استانداردهای ملی و بین‌المللی با ضریب کانونی ۰/۵۹۵، مدیریت استراتژیک با ضریب کانونی ۰/۴۶۸- و رهبری تیمی با ضریب کانونی ۰/۴۳۲ بیشترین سهم و مؤلفه‌های مدیریت مالی و منابع با ضریب کانونی ۰/۲۰۳- و تحلیل آماری با ضریب کانونی ۰/۲۹۵- دارای کمترین سهم در برساخت کانونی مؤلفه آموزشی حسابداری هستند.

در بخش دوم جدول شماره ۸ ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده، اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای اصلی در محاسبه مقدار کانونی هر یک از مؤلفه‌های مهارتی حسابداری مشخص است. اطلاعات جدول حاکی از آن است که متغیر خلاقیت با ضریب کانونی ۰/۶۶۳- دارای بیشترین سهم و متغیر دانش حسابداری با ضریب کانونی ۰/۰۲۲ دارای کمترین سهم در برساخت کانونی مؤلفه‌های مهارتی حسابداری هستند.

جدول ۹: ضرایب همبستگی ساختاری کانونی مؤلفه‌های آموزشی حسابداری

مؤلفه‌ها	مجموعه کانونی ۱	مجموعه کانونی ۲	مجموعه کانونی ۳	مجموعه کانونی ۴	مجموعه کانونی ۵
مدیریت استراتژیک	-۰.۴۷۱	۰.۱۸۲	-۰.۷۴۳	۰.۴۲۳	-۰.۱۱۸
مدیریت مالی و منابع	-۰.۱۴۰	-۰.۰۲۶	-۰.۴۰۰	-۰.۸۹۷	۰.۱۲۵
رهبری تیمی	۰.۵۳۸	-۰.۳۵۷	-۰.۴۶۱	-۰.۰۰۴	-۰.۶۰۸
تحلیل آماری	-۰.۴۴۷	-۰.۷۵۱	-۰.۰۸۴	۰.۱۵۱	۰.۴۵۵
استانداردهای ملی و بین‌المللی...	۰.۶۵۱	۰.۰۲۱	-۰.۴۲۸	۰.۱۰۵	۰.۶۱۸

جدول ۱۰: واریانس تبیین‌شده مجموعه اول برای متغیرهای کانونی

نقاط کانونی	توسط خود متغیرها کانونی		
	واریانس واقعی	واریانس تجمعی	مجدور واریانس
نقطه کانونی ۱	۰.۲۳۱	۰.۲۳۱	۰.۰۵۳۳۶۱
نقطه کانونی ۲	۰.۱۴۵	۰.۳۸۵	۰.۰۲۱۰۲۵
نقطه کانونی ۳	۰.۲۲۳	۰.۶۰۸	۰.۰۴۹۷۲۹
نقطه کانونی ۴	۰.۲۰۳	۰.۸۱۱	۰.۰۴۱۲۰۹
نقطه کانونی ۵	۰.۱۹۸	۱.۰	۰.۰۳۹۲۰۴

ضرایب همبستگی ساختاری که به آن‌ها بارهای عاملی کانونی نیز گفته می‌شود، عبارت است از همبستگی کانونی یک متغیر با متغیر اصلی یا کانونی (پیش‌بینی‌شده) که شبیه بارهای عاملی بوده و در تحلیل عاملی نیز وجود دارد. این ماتریس نشان می‌دهد که چگونه هر متغیر اصلی بر هر یک از متغیرهای کانونی پنج‌گانه بارشده‌اند. یکی از کاربردهای اساسی همبستگی ساختاری، استفاده از آن برای تفسیر متغیرهای کانونی است. همبستگی ساختاری متغیرهایی که بزرگ‌تر از ۰/۳ باشند، به‌عنوان بخشی از متغیر کانونی محسوب می‌شود و متغیرهایی که همبستگی ساختاری آن‌ها کمتر از مقدار فوق باشند به‌عنوان بخشی از متغیر کانونی که بار عاملی معناداری داشته‌باشد، محاسبه می‌شوند. ملاحظه ماتریس نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای اصلی دارای ضریب ساختاری بالای ۰/۳ هستند؛ لذا نقشی اساسی در ساختن متغیر کانونی مؤلفه‌های آموزشی حسابداری دارند و نقش استانداردهای ملی و بین‌المللی و قوانین و مقررات با ضریب ساختاری ۰/۶۵۱ و رهبری تیمی با ضریب ساختاری ۰/۵۳۸ بیش از بقیه مؤلفه‌ها است. کاربرد دیگر همبستگی ساختاری، محاسبه‌ی واریانس تبیین‌شده به‌وسیله متغیرهای اصلی بوده و چنانچه مقادیر ضریب همبستگی ساختاری مجدور شوند، درصد، واریانس است که به‌وسیله هر یک از متغیرهای اصلی از متغیرهای کانونی تبیین می‌شود.

اطلاعات جدول (۱۰) نشان می‌دهد که ۵/۳۳ درصد از واریانس مربوط به مؤلفه‌های آموزشی حسابداری به‌وسیله متغیر کانونی اول ۲/۱ درصد، به‌وسیله متغیر کانونی دوم ۴/۹۷ درصد، به‌وسیله متغیر کانونی سوم ۴/۱۲ درصد، به‌وسیله متغیر کانونی چهارم ۳/۹۲ درصد و ۳/۹۲ درصد به‌وسیله متغیر کانونی پنجم تبیین می‌شود. در مجموع حدود

۲۰٪ درصد از تغییرات مؤلفه‌های آموزشی حسابداری به وسیله نقاط کانونی پنج‌گانه تبیین شده و مابقی مربوط به عواملی غیر از این مؤلفه‌ها می‌باشند.

جدول ۱۱: ضرایب همبستگی ساختاری متغیر کانونی مؤلفه‌های مهارتی حسابداری

مؤلفه‌ها	مجموعه کانونی ۱	مجموعه کانونی ۲	مجموعه کانونی ۳	مجموعه کانونی ۴	مجموعه کانونی ۵
مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی	-۰.۳۲۴	-۰.۲۸۷	۰.۲۸۵	۰.۲۵۵	-۰.۸۱۶
مهارت‌های حسابداری	۰.۶۰۷	-۰.۶۲۶	-۰.۳۸۱	۰.۲۷۵	-۰.۱۳۴
مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی	۰.۱۷۶	۰.۶۸۹	-۰.۱۷۶	۰.۵۴۲	-۰.۴۱۲
دانش حسابداری	۰.۰۱۰	۰.۲۴۶	-۰.۵۴۱	-۰.۷۰۲	-۰.۳۹۲
خلاقیت	-۰.۶۳۹	-۰.۰۲۹	-۰.۶۵۰	۰.۳۹۷	۰.۱۰۴

جدول ۱۲: واریانس تبیین شده مجموعه دوم برای متغیرهای کانونی

نقاط کانونی	توسط خود متغیرهای کانونی		
	واریانس واقعی	واریانس تجمعی	مجذور واریانس
نقطه کانونی ۱	۰.۱۸۳	۰.۱۸۳	۰.۰۳۳
نقطه کانونی ۲	۰.۲۰۲	۰.۳۸۵	۰.۰۴۱
نقطه کانونی ۳	۰.۱۹۵	۰.۵۸۰	۰.۰۳۸
نقطه کانونی ۴	۰.۲۱۷	۰.۷۹۷	۰.۰۴۷
نقطه کانونی ۵	۰.۲۰۴	۱.۰۰۱	۰.۰۴۲

ملاحظه ماتریس جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که دو مؤلفه مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی با ضریب ساختاری ۰/۳۲۴-، مهارت‌های حسابداری با ضریب ساختاری ۰/۶۰۷ و خلاقیت با ضریب ساختاری ۰/۶۳۹- دارای ضریب ساختاری بالای ۰/۳ هستند؛ لذا نقشی اساسی در ساختن متغیر کانونی مؤلفه‌های مهارتی حسابداری دارند و نقش مؤلفه خلاقیت بیش از بقیه مؤلفه‌ها است. کاربرد دیگر همبستگی ساختاری، محاسبه واریانس تبیین شده به وسیله متغیرهای اصلی بوده که چنانچه مقادیر ضریب همبستگی ساختاری مجذور شوند، درصد، واریانس است که به وسیله هر یک از متغیرهای اصلی از متغیرهای کانونی تبیین می‌شود. اطلاعات جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد ۳/۳ درصد از واریانس مؤلفه‌های مهارت‌های حسابداری به وسیله متغیر کانونی اول ۴/۰۸ درصد، به وسیله متغیر کانونی دوم، ۳/۸ درصد از تغییرات به وسیله متغیر کانونی سوم، ۴/۷ درصد به وسیله متغیر کانونی چهارم و ۴/۱۶ به وسیله متغیر کانونی پنجم قابل تبیین است. در مجموع حدود ۲۰ درصد از تغییرات مؤلفه‌های مهارت‌های حسابداری به وسیله نقاط کانونی پنج‌گانه تبیین شده و مابقی مربوط به عواملی غیر از این مؤلفه‌ها می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

حاصل و همکاران معتقداند که به دلیل تفاوت بین برنامه‌های آموزشی حسابداری با مهارت‌های حسابداری، نیاز است که برنامه درسی تغییر کند و به‌منظور بهبود کیفیت آموزش و کاهش فاصله انتظارات مربوط به تقاضای کارفرما، آموزش دانشگاهی حسابداری نیازمند اصلاح می‌باشد (حاصل و همکاران، ۲۰۰۵)؛ از این رو پژوهشگرانی مانند آلبرچت و سک، معتقداند که در مرحله اول نیاز به تغییر در ساختار آموزش حسابداری و در مرحله دوم نیاز به پژوهش در زمینه چگونگی تغییر مذکور به‌وجود آمد (آلبرچت و سک، ۲۰۰۰).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: (۱) مؤلفه‌های آموزش حسابداری (مدیریت استراتژیک، مدیریت مالی و منابع، رهبری تیمی، تحلیل آماری، استاندارد ملی و بین‌المللی و استانداردهای قوانین و مقررات) با مؤلفه مهارتی حسابداری و (۲) (طبق آزمون پیرسون) مؤلفه‌های مهارت حسابداری (مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی، مهارت‌های حسابداری، مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی، دانش حسابرسی و خلاقیت) با مؤلفه آموزش حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی، رابطه مثبت و معناداری دارند. در واقع تغییر در مؤلفه‌های آموزش حسابداری به تغییرات در مؤلفه‌های مهارت‌های حسابداری می‌انجامد که این بخش از یافته‌های پژوهش، یافته‌های پژوهش‌های (آلبرشت و ساک، ۲۰۰۰؛ فوریستال، ۲۰۰۲؛ چابرو و هیی، ۲۰۰۱؛ بویسی، ۱۹۹۹؛ اندیولا و همکاران، ۲۰۲۰؛ فیل هانکوک و همکاران، ۲۰۱۷) را تأیید می‌کند.

به استناد اطلاعات جدول شماره (۱) مؤلفه آموزش‌های مدیریت مالی و منابع، بیش از سایر مؤلفه‌ها با مهارت حسابداری رابطه دارد. دانش مدیریت مالی و منابع در رشته حسابداری، یک دانش پایه محسوب شده و حسابداران به میزان معلومات و دانشی علمی و دانشگاهی که در این زمینه دارند، می‌توانند در فعالیت شغلی و مهارت‌های حسابداری موفقیت بیشتری را کسب کنند. مؤلفه‌های آموزشی استاندارد ملی و بین‌المللی و استانداردهای قوانین و مقررات، همبستگی بالایی با بحث مهارت‌های حسابداری دارند. دلیل آن این است که بخش عمده‌ای از کار حسابداری به قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی و استانداردهای این رشته بستگی دارد؛ لذا هرچه حسابداران آموزش‌های مرتبط بیشتر و بهتری در این زمینه گذرانده باشند، در فعالیت حرفه‌ای و مهارت‌های حسابداری موفقیت بیشتری خواهند داشت.

با توجه به یافته‌های پژوهش در جدول شماره (۲) مؤلفه مهارت‌های حسابداری بیشترین همبستگی را با مؤلفه آموزش حسابداری دارد. این مسئله بدین دلیل است که سطح بالای آموزش حسابداری باعث وضعیت بهتر حسابداری در مهارت‌های حسابداری می‌شود. همچنین طبق یافته‌های پژوهش، خلاقیت کمترین همبستگی را با مؤلفه آموزش حسابداری دارد. واضح است که خلاقیت بیشتر یک مهارت مبعث از ویژگی شخصی، شخصیتی و ژنتیکی می‌باشد و آموزش تا مقدار معینی می‌تواند به خلاقیت حسابداران کمک کند؛ از همین رو کمترین همبستگی را با آموزش‌های حسابداری دارد.

¹ Hassall

² Albrecht and Sack

نتایج آزمون همبستگی کانونیکالی یافته قابل توجهی را ارائه نموده است. ماتریس همبستگی درون مجموعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری نشان می‌دهد که در بین متغیرهای درون مجموعه، قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه مربوط به رابطه استاندارد ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و رهبری تیمی با ضریب همبستگی ۰/۱۶۴ و ضعیف‌ترین رابطه متعلق به رابطه استانداردهای ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و مدیریت استراتژیک با ضریب همبستگی ۰/۰۱۲ می‌باشد. نگرش پاسخگویان بر این است که هرچه آموزش‌های رهبری تیمی بالا باشد، حسابداران در آموزش و آشنایی با قوانین و مقررات و استانداردهای ملی (در سطح ملی) و بین‌المللی (در سطح بین‌المللی) موفقیت بیشتری خواهند داشت؛ زیرا روحیه تیمی و تیم‌سازی در اثر آموزش‌های مرتبط با آن تقویت می‌گردد و افراد را در یادگیری و آموزش این مباحث کمک می‌کند.

یافته دیگر پژوهش، ارتباط درونی مؤلفه‌های مهارت‌های حسابداری را نشان می‌دهد که بین متغیرهای درون مجموعه مهارت‌های حسابداری، قوی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه مربوط به رابطه مهارت‌های سرمایه‌گذاری و دانش مالی با مهارت‌های شخصیتی و ارتباطی با ضریب همبستگی ۰/۱۶۹ و ضعیف‌ترین رابطه متعلق به رابطه متغیرهای خلاقیت با دانش حسابرسی با ضریب همبستگی ۰/۰۱۸۸ می‌باشد. از یافته‌های این بخش می‌توان نتیجه گرفت که مهارت‌های شخصیتی افراد با مهارت سرمایه‌گذاری و دانش مالی آن‌ها ارتباط بیشتری دارد. این مسئله بدین دلیل است که بحث سرمایه‌گذاری علاوه بر دانش بیشتر، مربوط به روحیه افراد و میزان ریسک‌پذیری آن‌ها می‌باشد، نه آموزش؛ چراکه از بین همه کسانی که آموزش‌های یکسانی می‌بینند تعداد معدودی از افراد در بحث سرمایه‌گذاری ورود پیدا می‌کنند و تعداد کمتری موفق می‌شوند. دلیل همبستگی کمتر خلاقیت با دانش حسابداری نیز این است که خلاقیت بیشتر به ویژگی‌های شخصی افراد ارتباط دارد تا آموزش‌های که دیده‌اند. اگر فردی ذاتاً خلاق نباشد آموزش کمکی نمی‌تواند به این موضوع بکند؛ درحالی‌که اگر فرد روحیه خلاقیت داشته باشد با آموزش موفقیت بیشتری به دست می‌آورد. طبق اطلاعات جدول (۷) از پنج مجموعه کانونی که در این پژوهش شناسایی شده، فقط مجموعه کانونی اول با توجه مقدار لامبداری و بکلز (۰/۳۵) و مقدار کای اسکویر (۲۴) با متغیرهای پژوهش دارای همبستگی معناداری در سطح ۰/۰۱۴۱ هست و مجموعه‌های بعدی همبستگی معناداری با متغیرهای پژوهش ندارند. حدود ۲۰/۴۵ درصد از تغییرات مؤلفه‌های آموزشی حسابداری و حدود ۲۰ درصد از تغییرات مؤلفه‌های مهارت‌های حسابداری به وسیله نقاط کانونی پنج‌گانه تبیین می‌شوند و مابقی مربوط به عواملی غیر از این مؤلفه‌ها هستند. مؤلفه استانداردهای ملی و بین‌المللی و قوانین و مقررات با ضریب کانونی ۰/۵۹۵ در بر ساخت مؤلفه‌های آموزش‌های حسابداری و مهارت‌های حسابداری با ضریب کانونی ۰/۶۳۳ دارای بیشترین سهم هستند.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های آموزش حسابداری و مهارت حسابداری در دانشگاه آزاد اسلامی، رابطه وجود دارد. این دو متغیر فقط یک نقطه کانونی قابل تفسیر و تأیید در بین خود داشته که مؤلفه‌های استانداردهای ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و مهارت‌های حسابداری بیشترین ارتباط را با این نقطه دارند. این موضع به این صورت قابل تفسیر بوده که هر چه بیشتر در بحث آموزش استانداردهای ملی و بین‌المللی، قوانین و مقررات و مهارت‌های حسابداری تلاش شود، مهارت‌های حسابداری حسابداران نیز افزایش پیدا خواهند کرد.

فهرست منابع فارسی

- خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۲). ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. [قابل دسترس در [khamenei.ir farsi](http://khamenei.ir/farsi)]
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی. فصلنامه دانشور رفتار، ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۵۵-۶۸.
- صالحی، مهدی؛ نصیرزاده، فرزانه و رستمی، وهاب. (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی. مجله دانش حسابرسی، ۱۳۹۳، دوره ۱۳، شماره ۵۴، صص ۶۷-۸۶.
- نونهال نهر، علی‌اکبر؛ محمدزاده سالطه، حیدر و حمداله‌ی، کبری. (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر آموزش حسابداری (آموزش دانشگاهی و دوره‌های ضمن خدمت) و تجربه بر قضاوت‌های حرفه‌ای حساب‌رسان. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۹۱-۱۹۶.

فهرست منابع انگلیسی

- Andiola, L. M., D. H. Downey, and K. D. Westermann. 2020. Examining climate and culture in audit firms: Insights, practice implications, and future research directions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 39(4), pp. 1-29.
- Albrecht, W., Sack, R. 2000. *Accounting Education: Charting the Course through a Perilous Future*. Accounting education, 2000, 16, Sarasota, FL: American Accounting Association.
- Boyc, G. 1999. Computer – assisted Teaching and Learning in Accounting pedagogy or product. *Journal of Accounting Education*, 1999, 17 (1-2). pp.191-199.
- Bedford, N.M., Shenkir, W.G. 1987. Reorienting accounting education. *Journal of Accounting*, 1987, 163, 84-91.
- Chabrow, E, and M. Hayes. 2001. Changes in Accounting Education In formation week. <http://www.informationweek.com/story/Iwk20010164S0024>, 2001.
- Dick, Walter. 2012. A model for the systematic design of instruction. *Instructional Design: International Perspectives: Volume I: Theory, Research, and Models: olume Ii: Solving Instructional Design Problems: 361.*
- Forristal, T. 2002. CAP Forum: The Future of Accounting Education: The Response of chartered Accountant. *Canadian Accounting perspectives*, 2002, 1(1): 20-22.
- Gagne, R. M., Wager, W. W., Golas, K. C., Keller, J. M., & Russell, J. D. 2005. *Principles of instructional design*, 2005.
- Hassall, T., Joyce, J., Montanto, J.L., Anes, J.A. 2005. Priorities for the development of vocational skills in management accountants: A European perspective. *Accounting Forum*, 2005, 29, 379-394.
- Karlson, K, Karlson, J. 2019. Education as a mediator of the association between origins and destinations: The role of early skills. *Research in Social Stratification and Mobility*, Volume 64, December 2019, 100436.
- Mathews, M.R. 2000. *Accounting in higher education: Report of the review of the accounting discipline in higher education*. Commissioned by the department of employment, Education and training, AGPS, Canberra, ACT, 2000, 48(3), 1-100.

- Parvaiz, G., S. 2014. Skills Expectation-Performance Gap: A Study of Pakistan Accounting Education (Ph.D. thesis). London: Brunel University, 2014.
- West, R. 1998. Learning for life: higher education review. Final report (department of employment, Education, Training, and youth affairs) [online; 1998]